

بود، قطعنامه ۲۲۳۱ که به دنبال خاتمه بخشیدن به آن هاست، تنها به ماده ۲۵ منشور اشاره می‌کند.

بر اساس این ماده، اعضای سازمان ملل مکلف هستند که تصمیمات شورای امنیت را بپذیرند و اجرا نمایند. همچنین، شورای امنیت از ماده ۴۱ منشور اغلب برای اتخاذ سازوکارهای تنبیهی علیه دولت خاطی استفاده می‌کرد، اما در قطعنامه ۲۲۳۱، در ۱۰ بند برای متعهد نمودن شورا و اعضای آن، از ماده مزبور استفاده شده است.

قطعنامه ۲۲۳۱ تنها برجام را تکرار و تصدیق نمی‌کند، بلکه این قطعنامه، یک ضمیمه «ب» دارد که موجب شده است قطعنامه مطالبی فراتر از برجام را در برداشته باشد. در ابتدای این ضمیمه ذکر شده است که دولت‌های ۵+۱ و اتحادیه اروپا به منظور افزایش شفافیت و ایجاد یک فضای مناسب برای اجرای کامل برجام، چنین قواعدی را مقرر نموده‌اند و این قواعد پس از دریافت گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تأیید اینکه ایران، اقدامات مذکور در بندهای ۱ و ۱۵ تا ۱۱ و ۱۵ ضمیمه ۷ برجام را رعایت نموده است، به اجرا در خواهد آمد.

بر اساس ضمیمه «ب»، از ایران «درخواست می‌شود» که فعالیت‌های مربوط به «تکنولوژی موشک‌های بالستیک» خود را که برای حمل سلاح‌های هسته‌ای طراحی شده‌اند تا روز انتقال متوقف نماید. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که استفاده از فعل calls upon در خصوص فعالیت‌های موشکی ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ به جای افعالی که در قطعنامه سابق شورای امنیت، تحریم برنامه موشکی ایران را مقرر می‌داشت، نشان می‌دهد که فعالیت‌هایی دیگر مشمول ممنوعیت حقوقی شورای امنیت نمی‌گردد و این امر، پیروزی قابل توجهی برای ایران در برجام محسوب می‌شود.

در این باره باید گفت علی‌رغم اینکه پاراگراف ۷ قطعنامه ۲۲۳۱ ذیل فصل هفتم منشور (ماده ۴۱) قرار دارد، بند «ب» همین ماده، تحریم برنامه موشکی ایران - بند ۳ ضمیمه «ب» - را به روشنی از شمول الزام مذکور در صدر این ماده مستثنا کرده است. همچنین، تحریم‌های شورای امنیت

در خصوص برنامه موشکی ایران، هشت سال پس از روز پذیرش برجام خاتمه خواهد یافت و پس از این تاریخ، تمامی دولت‌ها می‌توانند با اجازه شورای امنیت، در چنین فعالیت‌هایی مشارکت نمایند.

با این حال در شناسایی موشک‌های مشمول قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، میان کشورها اتفاق نظری وجود ندارد. به عنوان مثال، پس از آزمایش موشک‌های «قیام ۱» و «شهاب ۳» در ایران پس از انعقاد برجام (مارس ۲۰۱۶)، کشورهای بریتانیا، ایالات متحده، فرانسه و آلمان طی نامه‌ای به دبیر کل ملل متحد مدعی شدند آزمایش این موشک‌ها که توانایی حمل یک کلاهک جنگی ۵۰۰ کیلوگرمی را برای مسافت ۳۰۰ کیلومتر دارند، قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض می‌کند، ولی دولت‌های روسیه و چین هم‌نظر با ایران این امر را انکار کردند.

همچنین، در ضمیمه «ب» قطعنامه، از دوست‌ها درخواست می‌شود چنانچه اطلاعاتی مشعر بر «دلایل معقولی» وجود دارد که یک کشتی حامل اقلامی است که عرضه، فروش، انتقال یا صادرات آن‌ها برخلاف مفاد برجام یا این بیانیه (ضمیمه «ب») است، با رضایت «دولت صاحب پرچم» کشتی در انجام بازرسی‌ها در دریای آزاد همکاری نمایند.

همچنین، بیانیه از دولت‌ها می‌خواهد به غیر از افراد یا موجودیت‌های ایرانی که نامشان در «ضمیمه» این قطعنامه آمده، به توقیف اموال سایر افرادی که اسامی آن‌ها در فهرست کمیته تحریم قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) شورای امنیت آمده است، ادامه دهند. البته اجازه آزاد کردن این اموال در موارد ضروری از جمله مسائل درمانی یا اجرای آرای قضایی با اجازه یا اطلاع شورای امنیت ممکن است.

نکته جالب ضمیمه «ب» این است که در خصوص فعالیت‌های موشک‌های بالستیک ایران و تحریم‌های تسلیحاتی ایران که پیش از این مشمول ممنوعیت مطلق بود، دوره زمانی مشخص در نظر گرفته شده است. با این حال، بازرسی از هواپیماها و کشتی‌های ایرانی دارای محموله‌های مشکوک - برخلاف قطعنامه‌های قبلی (قطعنامه ۱۸۰۳، پاراگراف ۱۱) - توسعه یافته است و علاوه بر بندرها، شامل دریای آزاد و

فرودگاه‌ها - با اجازه دولت صاحب پرچم - نیز شده است. نکته دیگر این است که کمیسیون مشترک می‌تواند به درخواست هریک از مشارکت‌کنندگان در آن، دوره‌های زمانی را که در ضمیمه «ب» آمده است مورد بررسی مجدد قرار دهد و بر اساس نتیجه حاصل از توافق جمعی، توصیه‌هایی را به شورای امنیت بنماید.

پرسش مطرح این است که آیا نقض ضمیمه «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مشمول سازوکار حل و فصل اختلافات ناشی از برجام می‌شود یا خیر؟ نقض این قسمت از قطعنامه، مشمول سیستم بازگشت‌پذیری قطعنامه‌های تحریمی نمی‌گردد، چون در برجام به هیچ وجه از فعالیت‌های موشکی و مسائلی از این دست سخنی به میان نیامده است؛ بنابراین اگر مفاد ضمیمه مزبور نقض گردد، فرایند نقض قطعنامه شورای امنیت در سازمان ملل باید دنبال و قطعنامه جدیدی به این منظور صادر شود که به‌طور طبیعی در روند صدور، امکان وتو وجود خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از برجام با پیش‌بینی لایه‌های مختلفی همچون کمیسیون مشترک، اقدام در سطح وزرا، هیئت مشورتی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، امکان مراجعه مقدماتی به شورای امنیت را ناممکن می‌کند؛ یعنی هیچ دولتی نمی‌تواند به‌صرف عناد با نظام جمهوری اسلامی ایران، نقض برجام یا مسئله هسته‌ای ایران را به‌آسانی در شورای امنیت مطرح و لزوماً باید سازوکار حل و فصل اختلاف در برجام را طی کند. همچنین، پیش‌بینی سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از برجام مانع توسل هریک از طرف‌های آن به اقدامات سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از برجام و تعیین تکلیف تحریم‌هایی همچون «خودیاری» می‌شود. با این حال در مدتی که تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت در حالت تعلیق هستند، فرایند پیش‌بینی شده در خصوص بازگشت‌پذیری آن‌ها می‌تواند با بهانه‌های واهی فعال گردد و این سازوکار قابل انتقاد دستاوردهای چندساله را به یک‌باره از بین ببرد.